

Study of Sistan's Sakhlo during the Reza shah period based on documents

Sara Sarhaddi,¹ Seyed Alireza Abtahi,² Aliakbar Jafari,³

1. PhD student. History of Iran, Department of History, Islamic Azad University, Najaf Abad Branch ,Najaf Abad, Iran. [E-mail: sarhaddi892@gmail.com](mailto:sarhaddi892@gmail.com).
- 2.(Corresponding Author), Associate Professor, Department of History, Iran.[E-mail: abtahi1342@yahoo.com](mailto:abtahi1342@yahoo.com)
- 3.Associate Professor, Department of History, Faculty of Literature and Humanities. University of Esfahan. Esfahan. Email: a.jafari@ltr.ui.ac.ir.

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 29Auge2021

Received in revised

Form19Dece2021

Accepted: 16Febr2022

Publishedonline:5May2022

Keywords:

Reza shah Pahlavi,
Security,
Local commanders,
Military,
Sakhlo,
Sistan.

ABSTRACT

The period of semi-modern institutionalization and modernization of government's Iran is attributed to the king Reza Pahlavi government which caused many changes in various the deployment of the military units and organizations in different regions such as Sistan had Special sensitivity and importance for England due to its adjacency to Afghanistan and the borders of India. Areas of the country These developments had more military approach in the country. This sensitivity had two important effects :firstly, to protect the borders, and more important goal was significantly to suppress and surrender of the nomadic forces. The present study using descriptive-analytical method and relying on the new documents has tried to find answer for these questions that How and for what purpose was the Sistan Sakhlo constructed at Pahlavi Period? And how was its function and structure? According to the questions, it can be hypothesized that the Sistan sakhlo had accurate structure according to the region requirement, and the culture changed in Sistan has affected on the suppress and surrender of the local commanders in Sistan area.

Cite this article: Sarhaddi, Sara & Abtahi, Seyed Alireza & Jafari, Aliakbar & (2022). Study of Sistan's Sakhlo during the Reza shah period based on documents. Journal of Historical Researches of Iran and Islam, vol 16No30, Pages.207-235.




DOI: 10.22111/JHR.2021.34602.2814



© The Author(s). Sara Sarhaddi & Seyed Alireza Abtahi, & Aliakbar Jafari;
Publisher: University of Sistan and Baluchestan

DOI: 10.22111/JHR.2021.34602.2814

ساختار و عملکرد ساخلوی سیستان در دوره رضاشاه با تکیه بر اسناد

سارا سرحدی^۱  سید علیرضا ابطحی^۲  علی اکبر جعفری^۳ 

۱. دانشجوی دکتری، گروه تاریخ، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران. رایانامه: sarhaddi892@gmail.com
۲. استادیار گروه تاریخ، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران. (نویسنده مسئول). رایانامه: Abtahi1342@yahoo.com
۳. دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران: رایانامه: a.jafari@tr.ui.ac.ir

چکیده

اطلاعات مقاله

سیستان به خاطر اهمیت سوق الجیشی در عهدقاجار مورد ادعای پادشاه افغانستان و سرکشی برخی از سرداران تابع ایران بود. دولت قاجار پس از تسلط بر سیستان ساختمان‌های قلعه ماندنی ساخت. استحکامات ساخته شده توسط دو فوج سرباز که از قاین فرستاده شده بودند، مراقبت می‌شد با روی کار آمدن حکومت پهلوی و سلطنت رضاشاه، حکومتی با ویژگی‌های نهادسازی شبه مدرن و مدرن‌سازی دولتی موجب تحولات زیادی در عرصه‌های مختلف کشور شد که این تحولات بیشتر رویکرد نظامی داشت. استقرار سازمان‌های نظامی در سیستان به دلیل همسایگی با افغانستان و حدود هندوستان که انگلستان اهمیت زیادی برای آن قائل بود، از حساسیت ویژه‌ای برخوردار بود. اهمیتی که در وهله اول صیانت از مرزها را دربر داشت، ولی به هدف مهم‌تری که همان سرکوب نیروهای عشایر و تحت انقیاد درآوردن آن بود، منجر گردید. پژوهش حاضر با روش تاریخی و شیوه توصیفی-تحلیلی و تکیه بر اسناد نویاب به دنبال پاسخ به این سوال است که ساخلوی سیستان در دوره پهلوی اول چگونه بوجود آمد و چه ساختار و عملکردی داشت؟ بر این اساس می‌توان این فرضیه را مطرح کرد: ساخلوی سیستان دارای ساختاری منظم و متناسب با مقتضیات منطقه‌ای، همراه با تامین امنیت در این بخش از کشور بوده است که توانست موفقیت‌هایی در جهت ایجاد امنیت در منطقه سیستان کسب کند با توجه به ایجاد تیپ مستقل و استقرار ساخلوی سیستان، این اقدام توانست بر حفظ مرزها و سرکوب سرداران محلی تاثیر زیادی بر جای گذارد.

نوع مقاله: مقاله علمی پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۶/۷

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۹/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۲۷

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۲/۱۵

واژه‌های کلیدی:

رضاشاه پهلوی،
امنیت،
سرداران محلی،
نظامیان،
ساخلو،
سیستان.

استناد: سارا سرحدی، سید علیرضا و جعفری، علی اکبر (۱۴۰۱). ساختار و عملکرد ساخلوی سیستان در دوره رضاشاه با تکیه

بر اسناد. مجله پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، دوره ۱۶، شماره ۳۰، ص ۲۰۷-۲۳۵.

DOI. 10.22111/JHR.2021.34602.2814

مقدمه

در عهد قاجار رقابت روس و انگلیس در نواحی شرقی ایران از مسائل مهم تاریخ بود که سیستان درگیر آن شد روس‌ها تصمیم داشتند با ورود به خراسان، سیستان و افغانستان، نفوذشان را تا اقیانوس هند بگسترانند. همین امر انگلیسی‌ها را مصمم کرد تا این مناطق را تصرف و یا حکومت‌های وابسته در آن ایجاد کنند. سیستان که موقعیت جغرافیایی مهمی داشت، برای حفظ هندوستان مورد توجه روزافزون انگلیسی‌ها قرار گرفت. آنان با ایجاد کنسولگری و استقرار نیروهای نظامی و حمایت از عوامل‌شان در سیستان از جمله خاندان علم از آن به عنوان منطقه حایل بین هند و روسیه استفاده کردند. با روی کارآمدن حکومت پهلوی و با توجه به ماهیت نظامی دولت پهلوی و اهمیتی که رضاشاه به مسئله امنیت نقاط مختلف کشور، بویژه در مرزها از جمله نقاط دور از مرکز، همچون سیستان قائل بود منطقه‌ای که دولت مرکزی کنترل موثری بر آن نداشت، باعث گردید تا در سال‌های ۱۳۰۳-۱۳۰۳ ش تغییرات زیادی در شکل و ساختار نیروهای نظامی بوجود آید. از جمله مهم‌ترین اقدامات: ادغام نیروهای قزاق و ژاندارم در یکدیگر و تلاش برای ایجاد ارتشی متحد و یکپارچه بود. این تغییرات با موانع و اشکالات و انتقادات زیادی توأم بود اما توانست با سرکوب نیروهای محلی و گریز از مرکز بویژه در آذربایجان، خراسان، مناطق مرکزی و چهارمحال بختیاری و بالاخره جنوب ایران که با دستگیری شیخ خزعل در سال ۱۳۰۳ش به پایان رسید به ایجاد ثبات و آرامش در نقاط مختلف کشور منجر، و به آن سرعت بخشد با توجه به مطالب ذکر شده، در این مقدمه تلاش بر آن است به ایجاد تیپ مستقل سیستان در سال ۱۳۰۹ش، چگونگی پیدایش و استقرار ساخلوی سیستان و ساختار و عملکرد آن با تکیه بر منابع و اسناد نویاب در مرکز اسناد و کتابخانه ملی - زاهدان - مورد بررسی قرار گیرد. اسنادی که به نظر می‌رسد برای اولین بار در این تحقیق، جهت پیدایش و بررسی ساختار و عملکرد ساخلوی سیستان مورد استفاده قرار گرفته است در ارتباط با این موضوع اگرچه مقالات و کتاب‌های متعددی همچون *سیری در تاریخ ارتش ایران* میرحسین یکرنگیان و کتاب *تاریخ ارتش ایران از ۵۸۸ پیش از میلاد تا ۱۳۷۵ شمسی* غلامرضا علی‌بابایی و مقالاتی

هم‌چون جامعه‌شناسی شکل‌گیری نظام وظیفه در ایران به رشته تحریر درآمده است، با این حال هیچ‌کدام به شکل اختصاصی و مجزا به بررسی این مقوله در منطقه و ناحیه خاصی نپرداخته‌اند. همچنین گزارش‌های محرمانه کنسولگری انگلیس در قاینات و سیستان که توسط دکتر محمود رفیعی ترجمه شده است، فاقد هرگونه تحلیل و بررسی تاریخی است. به همین دلیل مطالعه حاضر ضمن بهره‌گیری از سایر تحقیقات انجام شده و با تکیه بر دفاتر روزنگار نظامی در ساخلوی سیستان و گزارش‌های محرمانه کنسولگری انگلیس در سیستان به بررسی این تحولات پرداخته است.

ساختار جدید ارتش و جایگاه ساخلوی سیستان در آن

در خلال سال‌های ۱۳۰۱ تا ۱۳۰۳ش اصلاحات موقتی در ساختار و نهادهای نظامی به پایان رسید. گرچه هر لشکری با مشکلات خاص خود مواجه بود اما موفقیت‌های نسبتاً خوبی بدست آمد. با این وجود، بسط عناصر هویت ملی‌گرایانه و مطیع کردن نیروهای سنتی جامعه ایران در برابر استبداد مطلقه حکومت، بوسیله آموزش‌ها و هنجارسازی عمومی و فراگیر، از کارکردها و کارنیروهای مهم ارتش بود. علاوه بر موارد بیان شده نظام خدمت اجباری در کنار تأثیرات و خدمات سیاسی و نظامی و نگرش در تأسیس و ابقای حکومت پهلوی از جمله مهمترین کارکردهای ارتش به شمار می‌آمد. نظام وظیفه علاوه بر خلع سلاح عمومی به حکومت پهلوی اول، این امکان را داد تا با گسترش اقتدار نظامی، پایه‌های حکومتش را محکم کند. ایجاد ارتش یکپارچه و خدمت اجباری عمومی یکی از اولین تلاش‌های ساماندهی شده و همه‌جانبه برای خلق شهروندان نظام جدید سیاسی مبتنی بر ایده دولت-ملت در تاریخ ایران است (نیازی و شالچی، ۱۳۹۲: ۴۲).

تا قبل از تشکیل قوای نظامی سیستان در نواحی شرق ایران، قوای چریکی در این ناحیه که در طول جنگ جهانی اول توسط دولت انگلیس و جهت کمک به قشون‌های ایران ایجاد

شده بود، به دو بخش تقسیم می‌شد. بخش اول مربوط به حقوق و مزایا، در ناحیه خراسان بود که کنسول انگلیس در مشهد پرداخت می‌کرد. بخش دوم مربوط به حقوق و مزایای افراد در ناحیه سیستان بود که کنسول سیستان پرداخت می‌کرد. ولی فرماندهی کل این دو واحد به عهده ژنرال انگلیسی فرمانده ناحیه بود.

در این زمان قوای نظامی سیستان در سه منطقه متمرکز شده بود: قائنات، سیستان و نواحی اطراف کوه ملک سیاه. اسلحه و تجهیزات و البسه این واحدهای نظامی از هندوستان تهیه می‌گردید و دقیقاً شبیه البسه نظامی هندی‌ها بود. وظیفه اصلی این قوا مبارزه و منازعه با دزدان محلات و دسته‌جات سارقان بود. لازم به ذکر است که دولت ایران به میزان لازم، کاروان-سراهایی را برای اسکان افراد این قوا در اختیار آنها قرار داده بود (عاقلی، ۱۳۷۹: ۱۰۶). هنگ مختلط سیستان که تا سال ۱۳۰۶ش جزء ترکیبات لشکر شرق بود در سال ۱۳۰۹ش. به تیپ مختلط سیستان تبدیل گردید و در ادامه لشکر مزبور مجزی و به اسم تیپ مستقل سیستان مشغول به فعالیت شد (علی بابایی، ۱۳۸۲: ۲۶۰) به منظور جمع‌آوری سریع و ایجاد نظم در واحدهای پراکنده قزاق، ژاندارم، سرباز و سایر سازمان‌های نظامی محلی که در مناطق مختلف متمرکز بودند، در سال ۱۳۰۰ش، به موجب حکم عمومی شماره یک، ارتش ایران به پنج منطقه لشکری تقسیم گردید. لشکر یکم؛ مرکز- زیر نظر مستقیم سردار سپه، وزیر جنگ که به فرماندهی سرتیپ مرتضی یزدان پناه (تا سال ۱۳۰۶) اداره می‌گردید. لشکر دوم؛ شمال غرب که مرکز آن تبریز بود که فرمانده آن، سرلشکر اسماعیل امیرفضلی (از ۱۳۰۱ تا ۱۳۰۲) و رئیس ستاد آن، سرهنگ محمدحسین خان فیروز بودند. لشکر سوم؛ غرب با مرکزیت همدان (در سال ۱۳۰۴، به کرمانشاه منتقل شد) و فرمانده لشکر، سرلشکر احمدآقا امیراحمدی (از سال ۱۳۰۱، تا ۱۳۰۴) و رئیس ستاد آن سرهنگ ژاندارم، عبدالرزاق افخمی بودند. لشکر چهارم؛ جنوب که مرکز آن اصفهان (بعداً به شیراز منتقل شد) بود و فرمانده لشکر، سرلشکر محمود آیرم و رئیس ستاد لشکر، سرهنگ دوم ژاندارم حیدرقلی پسپان بودند. در نهایت لشکر پنجم؛ خراسان و مرکز آن،

مشهد بود. فرمانده لشکر سرلشکر حسین خزاعی از سال ۱۳۰۱ تا ۱۳۰۴ و رئیس ستاد، سرهنگ ژاندارم محمد حسین جهانبانی بودند (یکرنگیان، ۱۳۸۴: ۲۵۶-۲۵۸). همان گونه که ذکر شد گستردگی جغرافیایی منطقه سیستان و قرار گرفتن در همسایگی با افغانستان و هند که برای دولت انگلیس اهمیت فراوانی داشت باعث گردید تا تیپ مستقل سیستان شکل گیرد. عناصر نظامی تشکیل دهنده این تیپ مستقل، عبارت بودند از:

- ۱- آتریاد قزاق خراسان (Otryad) واژه‌ای روسی و به معنای واحد است، به یگانهای نظامی که دارای رشته‌های پیاده نظام، سواره نظام و توپخانه باشند اطلاق می‌شود- یگان مختلط)
- ۲- رژیمان دهم ژاندامری استرآباد
- ۳- فوج سرباز سده، فوج سرباز قاین، توپخانه قشون بیرجند و سیستان. (همان: ۲۵۸)

ایجاد و چگونگی ارکان در ساختاری سیستان

در تاریخ چهارم آذر ۱۳۰۰ ش، رضاخان که از اردیبهشت همین سال، علاوه بر فرماندهی قزاق، وزارت جنگ را نیز برعهده داشت ژاندامری را که زیر مجموعه وزارت داخله (کشور) بود، در قزاق ادغام کرد و در ۱۵ آذر همان سال به خدمت گلروپ، فرمانده سوئدی ژاندامری پایان داد. بدین ترتیب مهم‌ترین سازمان‌های نظامی و انتظامی کشور در یک سازمان، متمرکز شدند و سازمان جدید، قشون نام گرفت (تقوی، ۱۳۸۹: ۳۸). برای جذب نیرو در قشون اقداماتی صورت گرفت که در منطقه سیستان این سربازگیری ابتدا نامنظم انجام شد و سربازها اکثراً سیستانی‌های محلی و عده‌ای هم بلوچ بودند. استخدام شدگان از کیفیت بالایی برخوردار نبودند. گفته می‌شود که احتمالاً ۲۷۰۰ نفر استخدام شده‌اند ولی چنانچه به نظر می‌رسد تعداد آنان در شروع خدمت شاید از یک سوم این رقم هم بیشتر نبوده است (گزارش‌های محرمانه کنسولگری انگلیس در سیستان و قایانات، ۱۳۰۰: ۴۶۳) طبق گزارش‌های موجود و ثبت شده در دفاتر نظامی احتمال می‌رود که تاسیس ساختاری سیستان مربوط به سال ۱۳۰۱ ش باشد و در سال

۱۳۰۶ ش سرهنگ محمدنخجوان فرمانده نیروهای تیپ مختلط سیستان و قایمات بود (جهانبانی، ۱۳۳۶: ۷۴) ارکان این ساختار در ساخلوی سیستان به شکل زیر تقسیم‌بندی گردید:

قسمت پیاده و قسمت سوار

قسمت آتشبار - قسمت ارکان گماشتگی - قسمت بهادران (سوار سیستان)

قسمت مسلسل - قسمت صحیه (ساکما زاهدان، کارتن ۱، ۵۶: ۱۳۰۱)

در قسمت پیاده درجاتی چون: وکیل ۳ - تامین ۲ - تامین - سرجوقه - تامین دویم - وکیل ۳ - سرجوقه دیده می‌شود که تحت فرمان هر وکیل جوقه، ۸ سرجوقه قرار داشت و برای هر ۱۵۶ نفر، ۱۶ وکیل جوقه تعیین می‌گشت (ساکما زاهدان، کارتن ۱، ۸۵: ۱۳۰۱).

افرادی با سمت‌ها و درجاتی چون: اسلحه دار (وکیل راست)، سلمانی (تامین)، گماشته فرمانده گروهان (تامین)، شیپورچی (تامین)، طبال (تامین دویم) در این قسمت مشغول به انجام وظیفه بودند. همچنین در تقسیم بندی سوار که ۹۳ نفر را شامل می‌شد افرادی با درجاتی چون معین نایب یک، فرمانده دسته بود و وکیل (۱)، وکیل (۲)، وکیل (۳)، سرجوقه تامین (۲) و تامین مشغول فعالیت بودند (ساکما زاهدان، کارتن ۱، ۸۵: ۱۳۰۱).

۱. جمازسوار

یکی از بخش‌های سواره نظام ساخلو، نیروی جمازسوار بود. در گذشته وسیله حمل افراد مسلح، شتر بود. یکی از ویژگی‌های قشون قانات و سیستان، وجود نیروی نظامی تحت عنوان جمازسوار بود. این نیروها عموماً در مناطق کویری مورد استفاده قرار می‌گرفتند. منطقه قانات و سیستان نیز به دلیل کویری بودن، قابلیت استفاده از این نیرو را داشت (آذری خاکستر، ۱۳۹۲: ۱۱۴) در ارکان ساخلوی سیستان، جمازسواران ۷۲ نفر را شامل می‌شدند که درجاتی چون: معین نایب اول، وکیل ۳، سرجوقه، تامین ۲، تامین، شیپورچی در این رسته دیده می‌شد (ساکما زاهدان، کارتن ۱، ۸۵: ۱۳۰۱).

۲. آتشبار

یکی از ارکان مهم ساخلوی سیستان قسمت آتشبار بود. در این قسمت ۳۲ نفر مشغول به کار بودند و درجاتی چون؛ وکیل ۲، تامین، وکیل ۳ در آن دیده می‌شد و ۲۹ نفر دیگر در قسمت مسلسل مشغول به کار بودند (ساکما زاهدان، کارتن ۱، ۸۵: ۱۳۰۱) ذخیره‌داری، منصب دیگری در قسمت آتشبار بود که مسئولیت کلیه مهمات و تجهیزات ذخیره را عهده‌دار بود (ساکما زاهدان، کارتن ۱، ۶۹: ۱۳۰۱).

۳. برنامه روزانه نظامیان

در کنار تقسیم بندی ارکان ساخلو، برنامه روزانه‌ای نیز تنظیم شده بود. نظر به اهمیت مسئله نظام برای شخص رضاشاه، برنامه دقیقی برای قشون تهیه و تدوین گردیده بود که این برنامه در ساخلوی سیستان بدین شرح اجرا می‌گردید:

بیداری ۶ صبح نماز $6\frac{3}{4}$ لباس ۷ نظافت $7\frac{1}{2}$ مشق ۸-۱۱ ناهار ۱۲ نماز عصر $2\frac{1}{2}$
مشق ۳-۵ دعا $5\frac{1}{4}$ شام $5\frac{1}{2}$ نماز $6\frac{1}{2}$ قرق ۷ خاموشی ۹ (ساکما زاهدان،

کارتن ۱، ۸۱: ۱۳۰۱)

در نظر گرفتن سه وقت مجزا برای عبادت نظامیان، چشمگیر و قابل توجه است. به نظر می‌رسد گسیل سربازان از طریق نظام اجباری و استقرار آنها در پادگان‌ها و آموزش ارائه شده، با هدف دین زدایی و دور کردن افراد از شعائر دینی نادرست باشد. از طرفی دولت وقت، تعهداتی نسبت به سربازان قشون داشت. که موارد ذیل به عنوان تعهدات دولت در دفاتر نظامی ثبت گردیده است:

- غذای افراد در سربازخانه‌های بیرجند و سیستان به عهده‌ی دولت بود.
- حق الزحمه ماموریت‌های نزدیک، روزی سی شاهی معین گردیده بود.

- هزینه غذا به اسم فوق‌العاده محسوب می‌شد..

- افرادی که در ماموریت‌های سرحدی یا جنگی شرکت داشتند روزی سه قران از بابت آن دریافت می‌کردند(ساکما زاهدان، کارتن ۱، ۷۵: ۱۳۰۱).

- نظامیان بواسطه داشتن مشاغل دفتری و غیره نمی‌توانستند جیره جنسی دریافت کنند (ساکما زاهدان، کارتن ۲، حکم ۲۱۷ قشونی، ۱۳۰۴).

- به کلیه مامورین مالیه مرکز و سیستان روزی یک قران پول علیق تعلق می‌گرفت و اضافه بر آن پذیرفته نمی‌شد (ساکما زاهدان، کارتن ۲، حکم قشونی ۱۳۷، ۱۳۰۵-۱۳۰۴).

این امتیازات تا حدی می‌توانست زندگی و معاش افراد نظامی را تأمین کند در غیر این صورت طبق گزارش‌های موجود، نظامیان هر تعداد که باشند اگر حقوق اندکی دریافت کنند از کنترل خارج می‌شوند و در حین جابجایی دست به چپاول می‌زنند(گزارش‌های محرمانه کنسولگری انگلیس در سیستان و قاینات، ۱۳۰۰:۴۶۳) مشخص است که یکی از دغدغه‌های اصلی و مهم این سپاهیان پرداخت حقوق و مواجب آنان بوده است. طبق گزارش‌های محرمانه کنسولگری انگلیس در سیستان و قاینات در خصوص حل این مشکل پرداخت هزینه استقرار و حقوق نظامیان پیش بینی کافی مبذول شد. کنسول انگلیس پرداخت نشدن مواجب نظامیان را موجب به هم خوردن نظم دانسته و طی تلگرافی به مدیر کل گمرک در تهران راه‌حلی پیدا گردید. این راه‌حل همکاری گمرک سیستان برای تأمین هزینه‌های ساخلوی سیستان بود. گزارش آقای پاکت (paket) از تلگراف مدیر گمرک سیستان به مدیر کل گمرک در تهران و حمایت شدید از ایجاد یک قشون محلی ایرانی برای پاسداری از راه‌ها، و حمایت از پرداخت حقوق سپاهیان، خارج از وجوه اداره درآمد دولت بوده است. در ادامه این گزارش آمده است که اگر وزیر جنگ (رضاخان) برای مدتی بر مسند قدرت باشد بدون شک مایل خواهد بود که درآمد زمین‌های خالصه سیستان را برای تأمین حقوق سپاهیان در حد ممکن افزایش دهد (همان، ۴۰۵-۴۰۶) و رئیس خالصه جات باید نیاز سپاهیان را تأمین کند(همان، ۵۳۱)حقوق و مزایای افراد در سال ۱۳۰۱ بر اساس شغل و درجه نظامی آنان که مبالغ آن طی جداول شش‌گانه

ارائه شده، در خصوص افسران، درجه داران و افراد شاغل به فعالیت در ساخلوی سیستان منعکس گردیده است و به نظر می‌رسد بالاترین میزان پرداختی مربوط به معاون هنگ به مبلغ ۱۸۰ تومان و حداقل آن ۴۵ تومان تعیین شده بود.

جدول ۱.۱ ارکان

ردیف	نمره شخص	اسم	شغل	درجه	حقوق ثابت	معاش
۱	۵۱۲۳	سیدعزیز اله	فرمانده گردان ۴	سلطان	۶۰ تومان	۳۰ تومان
۲	۵۱۲۴	غلام احمدبیک	نیمگروهان ۱ گردان ۴	نایب دویم	۳۷ تومان	۱۸ تومان
۳	۵۱۲۵	حاجی غلامرضا	نیمگروهان ۲ گردان ۴	نایب سوم	۳۰	۱۵

جدول ۲. قسمت مسلسل و نیم گروهها

ردیف	نمره شخص	اسم	شغل	درجه	حقوق ثابت	معاش
۱	۵۱۲۶	علی بیک	فرمانده نیم گروهان مسلسل	نایب سوم	۳۰	۱۵

جدول ۳. آتشبار تیب مختلط سیستان و قانئات

ردیف	نمره شخص	اسم	شغل	درجه	حقوق ثابت	معاش
۱	۵۱۲۷	ابراهیمخان بهنام	فرمانده گردان	سلطان	۶۰	۳۰
۲	۵۱۲۸	سید جلال خان	فرمانده بهادران ۱	نایب اول	۴۴	۲۱
۳	۵۱۲۹	محمودخان	فرمانده دسته ۱	نایب سوم	۳۰	۱۵
۴	۵۱۳۰	حسینعلی	فرمانده بهادران ۲	سلطان	۶۰	۳۰
۵	۵۱۳۱	حمید ترخان	فرمانده دسته ۱	نایب سوم	۳۰	۱۵
۶	۵۱۳۲	بهروز خان	کفیل بهادران ۳ و فرمانده دسته ۱	نایب دویم	۳۷	۱۸

جدول ۴. ارکان

ردیف	نمره شخص	اسم	شغل	درجه	حقوق ثابت	معاش
۱	۵۱۳۳	میرعلیقخان	فرمانده آتشبار کوهستانی	سلطان	۶۰	۳۰
۲	۵۱۳۴	ابوالقاسم خان	فرمانده دسته ۲	نایب دویم	۳۷	۱۸
۳	۵۱۳۵	سید ابوالقاسم	فرمانده دسته ۳	نایب سوم	۳۰	۱۵

عین حکم ۴۶ لشکر شرق در موضوع تشکیلات تیپ مختلط قاینات و سیستان ذیلا اعلام می شود.

جدول ۵. ارکان

ردیف	نمره شخص	اسم	شغل	درجه	حقوق ثابت	معاش
۱	۵۱۰۶	رضاقلی خان سالار امجد	کفیل	نایب سرهنگ	۹۰	۹۰
۲	۵۱۰۷	حسنخان دولتشاهی	آجودان	سلطان	۶۰	۳۰
۳	۵۱۰۸	دکتر محمودخان	طیب	طیب	۶۰	۳۰
۴	۵۱۰۹	میرزا محمدحسن	معاون طیب	نایب سوم طب	۴۰	۱۵
۵	۵۱۱۰	حسن خان عمید نظام	مباشر	نایب دویم قلمی	۳۷	۱۸
۶	۵۱۱۱	میرزا محمود خان خیراله	مین تیپ	سلطان قلمی	۶۰	۳۰
۷	۵۱۱۲	معتصم الملک	محاسب	نایب اصل قلمی	۴۴	۲۱
۸	-	حاج میرزا محمدحسین	واعظ	غیرنظامی مقام نایب دویمی	۳۷	۱۸
۹	۵۱۱۳	محمد علی خان	رئیس موزیک بیرجند	نایب اصل موزیک	۴۴	۲۱
۱۰	۵۱۱۴	محمد علی خان	رئیس موزیک سیستان	نایب سوم	۳۰	۱۵

جدول ۶ گردان پیاده

ردیف	نمره شخص	اسم	شغل	درجه	حقوق ثابت	معاش
۱	۵۱۱۵	حسین خان کنگرلو	فرمانده گردان پیاده	سلطان	۶۰	۳۰
۲	۵۱۱۶	عزیز اله خان نصیری	فرمانده گردان ۱	نایب دویم	۳۷	۱۸
۳	۵۱۱۷	حاج اسماعیل	فرمانده نیمگروهان ۱ گروهان ۱	نایب سوم	۳۰	۱۵
۴	۵۱۱۸	محمدبیک	فرمانده نیمگروهان ۲ گروهان ۱	نایب سوم	۳۰	۱۵
۵	۵۱۱۹	اشرف نظام	فرمانده نیمگروهان ۲ گروهان ۲	سلطان	۶۰	۹۰
۶	۵۱۲۰	سیدتی خان	فرمانده نیمگروهان ۲ گروهان ۲	نایب سوم	۳۰	۱۵
۷	۵۱۲۱	میرزامهدی خان	فرمانده نیمگروهان ۲ گروهان ۳	نایب سوم	۳۰	۱۵
۸	۵۱۲۲	اسفندیارخان	فرمانده نیمگروهان ۲ گروهان ۴	نایب سوم	۳۰	۱۵

(ساکما زاهدان کارتن ۱، ۷۲: ۱۳۰۱)

۱. دستورالعمل انضباطی ساخلو

برای تداوم و ایجاد نظم در ساخلو، دستورالعمل انضباطی شدیدی در پادگان‌ها ایجاد و اجرا می‌شد. افراد خاطی که هم پرسنل و هم سربازان را شامل می‌شد به شدت مجازات می‌شدند و در مواردی هم منجر به اخراج آنان می‌شد. طبق بررسی اسناد، افراد به دلایلی چون بیماری،

عده‌ای بواسطه **اهمال در خدمت**، عده ای بدلیل **بداخلاقی**، افرادی به علت **تخریب اموال دولتی** اخراج می‌شدند (زاهدان، کارتن ۱، ۵۶:۱۳۰۱). افرادی هم به خاطر **اختلال مشاعر** از خدمت قشون معاف بودند (ساکما زاهدان، کارتن ۱، ۶۹:۱۳۰۱). علاوه بر دلایل ذکر شده عوامل دیگری سبب اخراج افراد می‌گردیدند، دلایلی چون: **کبرسن** (ساکما زاهدان، کارتن ۲، حکم قشونی ۲۴، ۱۳۰۴). و **ابتلا و اعتیاد به افیون**. چنان‌که آمده است "برای ایجاد روحیه سربازی در افراد، تعدادی که قابل خدمت بودند تحت نظر مامورین مخصوص و مراقب صحیّه موفق به ترک افیون شده و می‌شوند تا زمانی که اطمینان کامل از ترک عادت آنها حاصل نشود، باید در محل مخصوصی که برای آنها تخصیص داده شده است متوقف باشند و تعدادی که بواسطه کبرسن و اعتیاد افیون قابل خدمت نظام نبودند با تسلیم عوض از محل خود اخراج شوند تا یکسره روح زنده در کلیه افراد هویدا شود و مخارجی که از صندوق دولت صرف تربیت و تعلیمات آنها می‌گردد، بیهوده تلف نشود." چون این نکته مخصوصاً در نظام از مسائل حیاتی است لزوماً به کلیه فرماندهان و روسای مستقیم و غیرمستقیم افراد گوشزد می‌شود. چنانچه پس از این اقدام، بعدها افرادی افیونی در حوزه جمعی آنها مشاهده شود بدون پذیرفتن هیچگونه عذری با توجه به مسؤولیت شدید، تصمیمات سختی در اجرای تنبیه آنها اتخاذ خواهد شد (ساکما زاهدان، حکم قشونی ۱۱۱، ۱:۱۳۰۶).

فرار افراد از محل خدمت امری معمول بود ولی غیبت و عدم حضور بعد از پایان مرخصی مجازات‌هایی را در بر داشت. چنانکه آمده است فردی چون در زمان مقرر پایان مرخصی حاضر نشده بود، محکوم به ۱۵ روز حبس گردید (ساکما زاهدان، کارتن ۱، ۷۰:۱۳۰۱). گزارش‌هایی در مورد تخلفات و مجازات‌های افراد نظامی در ساخلو آمده است که به دو مورد آن اشاره می‌شود: ۱- نظامی پیاده، به علت سرقت تفنگ - که خلاف بزرگی بوده - اخراج و محکوم به ضرب سیصد تازیانه در جلو صف و همچنین مدت ده ماه حبس در اداره نظمیه شده بود و درجه سرجوقگی از وی پس گرفته شد. (ساکما زاهدان، کارتن ۱، ۷۱:۱۳۰۱). ۲- تخلف دیگر، مربوط به یک مورد زورگیری بود. یکی از نظامیان از فرد روستایی، اموالی را مصادره کرده بود. که

علاوه بر استرداد اموال برای تنبیه فرد خاطی و عبرت سایر افراد، نظامی مزبور به ده روز حبس و تا یک هفته، یک روز در میان، پنجاه ضربه شلاق در مقابل صف، مجازات گردید و به عموم صاحب منصبان و روسای مسئول تذکر داده شد تا از وقوع چنین قضایایی جلوگیری کنند (ساکما زاهدان، حکم قشونی ۱۱۳، ۲:۱۳۰۶).

۲. اعیاد و مناسبات در قشون

دولت پهلوی علی‌رغم انجام فعالیت‌هایی در جهت مدرن کردن جامعه آن‌روز و تقلید از فرهنگ غربی، باز هم به دلیل جو حاکم بر جامعه ایران که همان جامعه‌ای به شدت دینی بود، ناگزیر به برپایی و بزرگداشت اعیاد و مناسبت‌های مذهبی حتی در سربازخانه‌ها بود. توضیح بیشتر آنکه علی‌رغم فساد در ارکان نظام پهلوی در رده‌های مختلف نظامی روحیه اعتقادی آنان و مردم هم‌چنان حفظ شده بود. این بدان معنا نبود که فساد، رشوه، زورگویی و ظلم حاکم در جامعه آن‌روز وجود نداشت بلکه رسماً مناسبات ملی-دینی و مذهبی برگزار می‌شد که ارادت خاص به ائمه در آن دیده می‌شد. افراد با وجود زیر پا نهادن اخلاق جامعه دینی باز هم ارادت خاصی به ائمه و برگزاری مراسمات مذهبی داشتند. البته باید در نظر داشت که دولت پهلوی با هدف دولت-ملت‌سازی، رسماً مناسبات دینی-مذهبی و ملی را برگزار می‌کرد و صرفاً اهداف مذهبی مدنظر نبود.

در دفاتر نظامی در خصوص برپایی این مراسم‌ها این‌گونه آمده است:
در کل قشون اعیادی که به عنوان سلام خاص و عام باید برپا گردد به ترتیب ذیل مقرر و تصویب شده که بدین گونه اعلام می‌شود.
اعیادی که سلام عام تشکیل خواهد شد، عبارتند از: عید نوروز، عید تاجگذاری، عید مبعث و عید غدیر

اعیادی که سلام خاص تشکیل می‌شود:

عید اضحی، عید فطر، عید مشروطیت، عید میلاد حضرت رسول، عید میلاد حضرت امیر، عید میلاد حضرت سیدالشهداء، عید میلاد حضرت حجت (ساکما زاهدان، کارتن ۲، ۱۳۶: ۱۳۰۷).

برای بعضی از اعیاد مذهبی مثل، عید قربان مردم اهمیت خاصی قائل بودند. به مناسبت این عید روز قبل، بعضی از اصناف که وسیله سواری از قبیل: اسب و یا قاطر داشتند، آنها را با رنگ‌های جورواجور و زنگوله زینت می‌کردند و سوارشان می‌شدند و در بازار می‌چرخیدند. شب عید هم چراغانی مفصل می‌کردند و روز عید هم یک شتر به نام شاه قربانی می‌کردند (میرزا صالح، ۱۳۷۲: ۲۹۹).

در ایام محرم نیز برای این که هم‌قطاران نظامی بتوانند کاملاً تعزیه‌داری خامس آل عبا را انجام دهند، تا چهاردهم محرم خدمات صنف موقوف بود. در اداره نظامی، مجالس عزاداری، سوگواری و روضه‌خوانی برپا می‌شد و مخارج آن از صندوق صرفه‌جویی برداشت می‌شد. شرایط حضور نظامیان در مراسم عزاداری محرم اینگونه بیان شده است:

- اولاً باید لباس آنها مرتب و مطابق حکم و قانون البسه باشد.
- ثانیاً با نهایت نزاکت و مقبولیت در مجالس فوق‌الذکر حاضر شوند.
- ثالثاً در موقع اغشام (به معنای شام یا شبانگاه) برای ذکر دعا همگی باید در سربازخانه‌های خود حاضر باشند.
- رابعاً در موقع قرق باید تمام افراد بقرار اشخاصی که به مرخصی از طرف صاحب منصبان مافوق داشته‌اند در سربازخانه‌های خود حاضر و اگر کسی بدون اجازه در حضور و غیاب شب حاضر نباشد مجازات خواهد شد.

- خامساً صاحب منصبان هر سربازخانه مسئول اجرای اوامر فوق خواهند بود.
- سادساً عموم صاحب منصبان برای اجرای موارد فوق مسئولیت تام اداری خواهند داشت.
- داخل دسته‌جات شهری شدن اکیداً ممنوع بود و اداره نظامی به هیچ هیئت، دسته و مجلسی حق دخول به سربازخانه‌ها را نخواهد داد. همه صاحب منصبان هم لازم است برای حفظ شئونات

مذهبی و عزاداری و حفظ قوانین انضباطی جمعیت و همراهی دسته نظامی حرکت نمایند که در ضمن عزاداری احکام نظامی هم اجرا شود (ساکما زاهدان، کارتن ۱، ۵۷:۱۳۰۱). در مناسبت دیگری چون وفات حضرت ختمی مرتبت خدمات مشقی و اداری را برای روز مزبور تعطیل می‌کردند (ساکما زاهدان، کارتن ۱، ۶۹:۱۳۰۱).

۳. نظام اجباری در راستای ایجاد امنیت و هویت

یکی از مهمترین قوانینی که دولت پهلوی موفق به تصویب و اجرای آن گردید نظام اجباری بود. سیاست سربازگیری ارتش نوین در طول سال‌های ۱۳۰۱ تا ۱۳۰۵ ش. اساساً مبتنی بر نظام بنیچه بود. بر اساس آن هر منطقه‌ای نسبت به معرفی مشمولان خود اقدام می‌کرد. تعداد مشمولان بر طبق میزان مساحت زمین زیر کشت تعیین می‌شد. با این حال، نباید فراموش کرد که قسمت اعظم بار جنگ‌هایی که در طول سالیان مذکور روی داد، بر دوش مشمولان غیرمنظم قبایل، سنگینی می‌کرد و نه نیروهای منظم. این دسته از مشمولان به طور سنتی و متناسب با وضعیت پیش آمده گردهم آمده و پس از پایان جنگ، پراکنده می‌شدند (کرونین، ۱۳۷۷: ۲۲۳). در مجله قشون در خصوص اهمیت سربازگیری، این‌گونه آمده است: وجود قشون داوطلب برای مملکت نافع است و نفع عمده این‌گونه قشون‌گیری شجاعت و بی‌باکی اغلب داوطلبان می‌باشد که از مخاطرات جنگی باک نداشته و بالطبع مایل به خدمت نظامی هستند. با این حال عموماً قشون داوطلب دارای عیوبی است و خصوصاً قشون داوطلب ایران خالی از آن معایب نیست. اغلب این نوع اشخاص دارای اخلاق فاسد هستند و به محض ورود به خدمت نظام مرتکب شرارت‌هایی می‌شوند که باعث اختلال نظم می‌گردد. ثانیاً برای شخص داوطلب نمی‌توان مسئولیتی قرار داد. یعنی داوطلب نمی‌تواند دیگری را مسئول اعمال خود قرار دهد. ثالثاً در موقع احتیاج فوری، ازدیاد عده قشون تحت سلاح در هنگام حدوث جنگ به واسطه معلوم نبودن زمینه قشون‌گیری، مدتی وقت، باید تزییع گردد و شاید قدری به طول انجامد که زمان کاملاً از دست برود. مدتی که قشون داوطلب قبول خدمت نظامی می‌کند متجاوز از سه سال نخواهد بود برخلاف قشون اجباری و بنیچه که مدت خدمتشان امتداد کامل دارد.

مقتضیات عصر حاضر غیر از اوضاع ادوار گذشته است. امروز برای حفظ استقلال مملکت همه باید جانبازی و فداکاری کنند و هیچکس حق ندارد از نعمت امنیت و آسایش برخوردار بوده ولی برای دفاع مملکت حاضر به تحمل زحمت نباشد چه حفظ استقلال هر مملکت مرهون رعایت همین اصل است. جوانان مملکت تن‌پروری و عیاشی را باید بدرود گفته مردانه سلاح جنگ بیوشند و در طریق کسب نام نیک و افتخار بکوشند. اینک نظام اجباری این باب را به روی همه می‌گشاید و دیگر هیچ جوانی نمی‌تواند بگوید خواستم ولی نتوانستم (مجله قشون، ۱۳۰۴: ۸۰۳). در منطقه سیستان به دلیل اهمیت سوق الجیشی آن فوری‌ترین مسئله محلی گردآوری سپاهی ایرانی بود که جایگزین قشون و سربازان انگلیس شوند و از جاده‌های تجاری در برابر حملات راهزنان افغانی و بلوچ محافظت و نگهداری کنند. انگلیسی‌ها بخش عمده‌ای از تجارت جنوب شرق آسیا را در اختیار داشتند. چند راهزنی مختصر در آن‌زمان اتفاق افتاده و اگر به آن پایان داده نشود تعداد و دامنه آن افزایش خواهد یافت و تجارت صدمه خواهد دید. گزارش‌های محرمانه کنسولگری انگلیس در سیستان و قاینات، ۱۳۰۰: ۳۹۷) به همین منظور استخدام افراد از سال ۱۳۰۱ ش آغاز شد که در ابتدا از قانون مشخصی پیروی نمی‌کرد به عنوان مثال استخدام برخی از افراد در نظام به موجب قیدنامه و قسم نامه بوده است که خود به نوعی در راستای برنامه دولت در تحت انقیاد درآوردن نیروهای گریز از مرکز بود. افرادی که تحت ضمانت سردار سعیدخان بلوچ سیستانی از طایفه براهوئی استخدام شدند نمونه‌ای از اقدام دولت در این راستا بود متن قسم نامه این چنین است:

«به ذات احدیت و کلام الله مجید قسم یاد می‌کنم که در خدمت به مملکت ایران خیانت ننموده و احکام دولتی و اداره قشونی را بدون تردید اجرا نمایم» (ساکما زاهدان، کارتن ۱، ۹۰: ۱۳۰۱) در کنار این قسم نامه یک عده ۵۰ نفری بلوچ به سرکردگی محمد فرزند اسدالله، یک عده ۵۰ نفری جماز بلوچ به سرکردگی فیض محمدخان و ضمانت سردار سعیدخان بلوچ سیستانی از طایفه براهوئی به خدمت دولت پهلوی درآمدند (ساکما زاهدان، کارتن ۱، ۹۰: ۱۳۰۱). این قسم به خدمت درآوردن افراد به سرگردگی خوانین محلی بیشتر به نفع دولت و نظام بود

چرا که خود به خود منجر به انقیاد نیروهای گریز از مرکز می‌شد. به خصوص که طوایف محلی در این منطقه به دلیل عدم انقیاد همیشه به عنوان یک دردسر بزرگ در نظر دولت وقت به شمار می‌آمد و موجبات ناامنی در منطقه را فراهم می‌کرد. شاید لزوم اصلی ایجاد ساخلوی سیستان در وهله اول نیاز به امنیت بود که می‌توانست در بعد داخلی و خارجی آن را تامین کند. در عملیات قشون سال ۱۳۰۷ ش از قوایی که در نظر بود به بلوچستان اعزام شوند علاوه بر قوای مشهد و کرمان از تیپ سیستان؛ فوج پیاده زابلی با دو گردان، دسته سوار مکتشف، یک گروهان مسلسل، کلت (چهارقبضه)، یکدسته توپخانه ترفیقی، یک آتشبار کوهستانی (چهار عراده توپ) به اضافه یک بهادران مستقل سوار که مامور ساخلوی سیستان بود، به کار گرفته شد (جهانبانی، ۱۳۳۶: ۴۱) در موارد دیگری چون جابجایی قافله پول از مرکز به دزداب و از آنجا به بیرجند از نیروهای نظامی ساخلو کمک گرفته شد (ساکما زاهدان، حکم ۷۶ قشونی، کارتن ۱، ۱۳۰۱). که خود زمینه باج خواهی سران طوایف و خوانین منطقه از دولت را تا حدود زیادی از بین برد. امنیت در بعد خارجی هم با تشکیل ساخلوی سیستان تا حدود زیادی تامین می‌گردید. طبق گزارش اداره گمرک سیستان مبنی بر ادعای مالکیت و تصاحب قسمتی از خاک سیستان توسط نیروهای انگلیسی، با درخواست تشکیل قشون نظامی در این منطقه و مقابله با اقدام نیروهای بیگانه موافقت شد (ساکما، سند شماره ۱۱۳۶۷۱ - ۲۴۰). تلاش های نیروی امنیه در ایجاد امنیت در مقابله با گروهی بلوچ که به نزدیکی بندان حمله کرده اند بسیار موفق بوده اند نیروی مزبور آنان را تا هاروت رود تعقیب کرده ۴ نفر را کشته، ۲ نفر را زخمی و ۱۲ نفر را سالم دستگیر کرده اند با وجود این که بسیاری از افراد سپاه جدید تازه استخدام شده اند. در هفت ماه گذشته عملکرد سپاهیان در سرکوب حملات بسیار خوب بوده و به نظر می رسد که تمایل گسترده برای حمله به مرز شرق را در نطفه خفه کرده اند (گزارش های محرمانه کنسولگری انگلیس در سیستان و قاینات، ۱۳۰۲: ۵۵۰).

از زمانی که سردار سپه، ضمن عهده‌داری وزارت جنگ، به مقام فرماندهی کل قشون نیز منصوب شد، متوجه این نقص بود که سرباز داوطلب و بنیچه، چون در برابر پول کار می‌کنند

علاوه بر اینکه برای دولت گران تمام می‌شود آن طور که باید در نگرهبانی از وطن و انتظامات کشور مورد استفاده واقع نمی‌شوند. افراد محلی و بنیچه، اغلب پیر و معلول بودند گاهی پدر شصت ساله و فرزند چهارده ساله از ولایات برای خدمت سربازی روانه می‌شدند. به علاوه این‌ها فقط چند صبحی که در خدمت ارتش بودند مورد استفاده قرار می‌گرفتند و در موارد حساس که کشور به سرباز احتیاج داشت به هیچ مقام و منبعی دسترسی نداشت. به این منظور قانون نظام وظیفه عمومی را طی لایحه ای به مجلس شورای ملی بردند و در جلسه شانزدهم خرداد ۱۳۰۴ ش مجلس شورای ملی، به تصویب رسید که بعدها تغییراتی در آن نیز داده شد و سال ۱۳۰۵، اولین سالی بود که این قانون اجرا می‌شد (یکرنگیان، ۱۳۸۴: ۲۶۴-۲۶۵). قانون خدمت نظام اجباری مشتمل بر ۳۲ ماده در ۱۶ خرداد ۱۳۰۴ به تصویب مجلس شورای ملی رسید. به موجب ماده‌ی اول آن، تمام اتباع ذکور ایران، اعم از: شهری، روستایی، ایلات و افراد ساکن خارج از کشور، از ابتدای ۲۱ سالگی موظف به خدمت سربازی بودند و مدت خدمت نیز ۲ سال بود (نیازی و شالچی ۱۳۹۲: ۴۲). در مقدمه قانون خدمت نظام اجباری، نواقص و معایب نظام بنیچه و فواید ناشی از نظام اجباری همگانی ذکر شده است. قانون مذکور می‌گوید که نظام اجباری به ارتش ایران هویت ملی داده و هر خانواده ایرانی سهمی در دفاع از ملت و استقلال خود خواهد داشت. ارتش به قدر کافی نیرومند خواهد بود تا بتواند هر حمله‌ای را دفع کند، مالیات و سربازگیری به طرز منصفانه‌تری انجام می‌شود تعداد کافی از زارعین برای کشت و کار باقی می‌مانند. انجام خدمت وظیفه موجب تقویت احساسات وطن دوستی ایرانیان می‌شود بر طبق این قانون از تبعیض اجتناب و پرهیز می‌شد و همگان در نزد قانون برابر بودند (کرونین، ۱۳۷۷: ۲۳۵). قانون نظام وظیفه اجباری فقط منجر به توسعه ارتش نشد. بلکه سربازان مرد را از محیط‌های سنتی بیرون کشید و آنان را برای نخستین بار در سازمانی ملی مستحیل کرد. سازمانی که در آن مجبور بودند به فارسی سخن بگویند، با دیگر گروه‌های قومی محسور شوند و هر روز وفاداری خود را به شاه، پرچم و دولت اعلام کنند. دو سوم مشمولان، شش ماه نخست سربازی را به یادگیری زبان فارسی سپری می‌کردند. در واقع یکی از اهداف طراحی این قانون،

تبدیل روستاییان و ایلات به شهروند بود (آبراهامیان، ۱۳۸۹: ۱۵۰). می‌توان گفت در هیچ یک از نهادهای دولت ملی به اندازه ارتش برای تقدس نمادهای ملی مانند: پرچم، سرود، ترویج ایثار و جانفشانی برای خاک تبلیغ نشده است. زندگی شبانه روزی در چارچوب قواعد و مقرراتی انتزاعی و یکسان، آموزش‌های مدرن واحد و به زبان ملی، الگوی زیست واحد، لباس‌های متحدالشکل، تبعیت محض و بی‌چون و چرا از قوانین و مقرراتی که مشروعیت خود را از سوی دولت کسب کرده‌اند. احترام به ارزش‌ها و هنجارهای ملی، تقدس خدمت زیر پرچم ملی و احترام به سرود ملی، ارج‌گذاری یاد و خاطره جان‌فشانی‌ها، حماسه‌ها و تکریم قهرمانان و اسطوره‌های ملی تا پیش از آن که آموزش و پرورش در رسانه‌های جمعی گسترش یابد ارتش، نظام وظیفه را برای مدتی طولانی به مهم‌ترین نهاد همگن ساز ملت تبدیل کرد (سینائی، ۱۳۸۴: ۱۰۸). طبق اسناد موجود آموزش زبان فارسی از ساعت اول خدمت در دستور کار قرار داشت. کلیه افراد در اتاق‌های خودشان تحت مراقبت فرماندهان مربوط به تعلیم زبان فارسی (خواندن و نوشتن) مشغول می‌شدند و چون این اقدام وسیله تربیت اخلاقی و هوشیاری افراد بود، لازم بود که فرماندهان واحدهای نظامی یادآوری و خاطرنشان کنند. باید هر چه زودتر نتیجه تعلیمات درسی افراد مشخص شود و تا موقعی که هوا سرد است یعنی، ساعت اول صبح باین منظور اختصاص داده شود. و در آتیه هم روزی یک ساعت در پروگرام تعلیمات درسی و نوشتن اعداد با جدیت و افری کوشش نمایند تا افراد لایق و قابلی در قشون تربیت شوند و از این راه خدمت عمده را در راه ترقی و توسعه معارف ابراز نموده باشند (ساکما زاهدان، حکم قشونی ۱۱، ۱۳۰۶). بنابراین ارتش و آموزش در آن به محیط جدید تبدیل شد که مسیر گرایش به زندگی در جامعه جدید با ارزش‌های ملی در بین جوانان سرباز را تشویق می‌کرد.

امور اداری افواج و گردان‌های مستقل

به موازات چهارچوب و ساختار نظامی ساخلوی سیستان بخش دیگری نیز در ساخلو وجود داشت که به امور اداری مربوط می‌شد. در هر فوج فرمانده فوج، رئیس هیئت اداری بود و قدیمی‌ترین صاحب منصبان ارشد فوج عبارتند بودند از:

رئیس امور اداری، تحویلدار، رئیس مخزن، فرمانده واحد اداری.

گردان مستقل

فرمانده گردان رئیس هیئت اداری بود و سایر اعضا عبارت بودند از: تحویلدار، رئیس مخزن، فرمانده واحد اداری که شامل (گروهان بهادران آتشبار) بود. هنگام مانورها یا اردو کشی، اعضای این هیئت، ممکن بود به سه نفر تقلیل یابد. در این صورت قدیمی‌ترین صاحب منصب ارشد فوج (گردان مستقل) به جای فرمانده ریاست آن را عهده‌دار می‌شد. چنانچه فوج (گردان مستقل) به جزءهای کوچک تقسیم شده باشد، هیئت اداری در جزئی تشکیل خواهد یافت که تحت ریاست مستقیم فرمانده فوج (گردان مستقل) قرار گرفته باشد. مع‌هذا در افواج پیاده هیئت اداری در جزئی تشکیل می‌شود که توشه‌های ذخیره‌ی فوج (گردان مستقل) در آن قرار دارد. جزء مرکزی همیشه عبارت از جزئی است که هیئت اداری در آن مشغول به کار می‌باشد. و جزء اصلی عبارت از جزئی است که رئیس فوج (گردان مستقل) فرماندهی آن را عهده‌دار است (ساکما زاهدان، حکم قشونی ۵۱۶، ۲: ۱۳۰۷). فرمانده فوج (گردان مستقل) در غیاب خود با حفظ مسئولیت، قدیمی‌ترین صاحب منصب ارشد فوج (گردان مستقل) را در هیئت به‌جانشینی خود انتخاب می‌کند و اگر بر خلاف مجوزهای نظامنامه تشخیص دهد، می‌تواند امر به تجدیدنظر نماید. در افواج سوار، هیئت اداری در جزء اصلی استقرار می‌یابد (ساکما زاهدان، حکم قشونی ۵۱۶، ۲: ۱۳۰۷).

وظایف هیئت اداری

- هیئت اداری وظایف هفتگانه زیر را بر عهده داشت
- مدیریت و نظارت
- جزئیات و نگاهداری نوشته‌جات و دفاتر مربوط به آن را به عمال خود واگذار می‌کند.
- هیئت اداری حفاظت از منافع فوج (گردان مستقل) را بر عهده دارد سعی و مراقبت می‌کند که امور اداری آن را در حدود مقرر نظامنامه‌ها با بهترین شقوق تامین نماید.
- تعیین و خاطر نشان نمودن احتیاجات فوج

- دریافت وجوه و موادی که برای رفع احتیاجات مزبوره لازم است
- تقسیم صحیح وجوه مواد ماخوذه بین واحدهای اداری، عهده‌داری مسوولیت مصرف قانونی آنها
- تصدیق و امضای کلیه مدارک راجع به سجّل نظامی تمام افراد فوج بر عهده هیئت اداری است.

وظایف ریئس امور اداری

- ریئس امور اداری علاوه بر کنترل دفاتر، بازدید سرزده از مخازن فوج را بر عهده داشت. وی می‌بایست عواید تحویلدار را تحت نظر گرفته صندوق و دفاتر او را رسیدگی نماید. هم‌چنین بوسیله بازدیدها و تفتیشات ناغافل در مخازن فوج، مشاهدات خود را در دفاتر ورودی و صدور آنها یادداشت کند (ساکما زاهدان، حکم قشونی ۵۱۶، ۳: ۱۳۰۷).
- ریئس امور اداری عهده دار تصدی دائرة تجهیزات و نگاهداری دفاتر سجلاتی افراد نیز بود.

- مشاغل ریئس امور اداری نباید با مشاغل تحویلدار یا ریئس مخزن توام باشد.

عمال هیئت اداری

این گروه را افراد زیر تشکیل می‌دادند:

- ۱- محاسبین نقدی و جنسی
- ۲- انباردارها
- ۳- مامور امنیه سربازخانه‌ها
- ۴- روسای صحیّه و بیطاری‌ها
- ۵- مامور ارزاق
- ۶- ریئس موزیک
- ۷- مامورین تعلیمات راجع باشیاء و اثاثیه که در تحویل آنها می‌باشد

تمامی اعضای هیئت راجع به موجودیت اعتبارات نقدی و نیز موجودیت و حسن نگاهداری اشیاء و ملزوماتی که به آنها سپرده شده است در مقابل هیئت اداری مسئولیت پرداخت نقدی دارند.

وظایف تحویلدار:

-تنظیم محاسبات نقدی

-عهده‌داری تحریرات

-ثبت و ضبط اسناد و مدارک

تحویلدار از نقطه نظر محاسبی شخصاً مامور دریافت عوائد و پرداخت مخارج است. از لحاظ عهده‌داری تحریرات هیئت اداری کلیه مکاتبات آن را سوای مکاتبات مربوطه به مخزن تهیه می‌نماید ضمناً مهر هیئت نیز به او سپرده شده که اوراق لازمه را مهر نماید. تحویلدار در موارد ذیل مسوولیت نقدی دارد: رئیس مخزن مامور است ملزومات دولتی را از قبیل اثاثیه، اسلحه، لباس، اشیاء و غیره تحویل گرفته بر طبق مقررات معین به واحدهای اداری تقسیم و آنچه از اشیاء دولتی که به‌عنوان ذخیره تحویل می‌شود با بهترین وضعیت و در مناسب‌ترین مکان‌ها نگاهداری نماید و نیز کلیه دفاتر مربوط به امور فوق را عهده‌دار است (ساکما زاهدان، حکم قشونی ۵۱۶، ۴: ۱۳۰۷).

رسیدگی و تنظیم محاسبات افواج

نظارت در جریان امور اداری افواج از وظایف فرماندهان لشکر و تیپ بود. فرماندهان مزبور شخصاً یا از طریق عمال مالی که مامور رسیدگی به محاسبات افواج مربوط می‌باشند نظارت خود را اعمال می‌کردند. فرماندهان لشکر یا تیپ و عمال مالی می‌توانستند در جلسات هیئت اداری حضور بهم رسانند و انعقاد آن را تقاضا نمایند مامورین تفتیش کل قشون نیز دارای همین حق بودند. در واحدهای مستقلی که مساوی یا کمتر از یک گروهان هستند مسوولیت اجرای امور اداری واحد کل و جزء متوجه شخص فرمانده آن خواهد بود (ساکما زاهدان، حکم قشونی ۵۱۶، ۱: ۱۳۰۷).

عناوین و البسه نظامیان

عناوین و البسه نظامی از قدیم الایام در هر دوره و حکومتی حائز اهمیت بوده است دوره رضاشاه با توجه به عنایت ویژه شاه در این مورد آمده است: یک روز پس از خاتمه سلام و تعویض لباس سلام، رضاشاه دستورتیه‌ی نظامنامه‌ای را داد تا از نشان‌های خارجی استفاده نگردد. در مانور نظامی سوم اسفند که افراد نظامی دفیله می‌رفتند. مشاهده کردند که بیرق رسمی را وقتی عبور می‌دهند، فقط نظامی‌ها احترام می‌گذارند و غیر نظامی‌ها بی‌اعتنا ایستاده‌اند. رضاشاه به وزیر دربار گفت در تمام دنیا مرسوم است بیرق رسمی که می‌رسد همه احترام می‌گذارند، غیر نظامی‌ها کلاه برمی‌دارند و نظامی‌ها سلام نظامی می‌دهند. ما هم باید فکری در این باب بکنیم، اتفاقاً سلام بزرگ ما تعظیم است ولی نمی‌شود به بیرق تعظیم کرد. بعد فرمودند خودم فکر .. این کار را کرده‌ام و درست می‌شود. بعدها معلوم شد تغییر لباس و کلاه منظور نظرشان بود. (میرزا صالح، ۱۳۷۲: ۳۰۹-۳۱۰) عناوین و البسه نشان از نظم موجود و هماهنگی افراد در استفاده از نشان‌های دولتی و البسه مشخص در کادر نظامی و اداری ساخلو دارد. علی‌رغم اینکه سیستمان دور از مرکز قرار گرفته ولی همپای سایر نقاط کشور ملزم به رعایت نظم و قوانین نظامی بوده‌است. بدین منظور حکم قشونی در استفاده از نشان‌ها و مدال‌های نظامی صادر شد. طبق ماده ۱ حکم ۵۱۹ قشونی نشان‌ها و مدال‌های مملکتی به ترتیب ذیل استعمال می‌شد:

نشان ذوالفقار مقدم بر سایر نشان‌ها	سمت چپ سینه نزدیک تکمه نصب شود
نشان کودتا بلافاصله پس از نشان ذوالفقار	سمت چپ سینه نزدیک تکمه نصب شود
مدال نظامی بلافاصله پس از نشان سپه	سمت چپ سینه نزدیک تکمه نصب شود
مدال تاجگذاری بلافاصله پس از مدال نظامی	سمت چپ سینه نزدیک تکمه نصب شود
نشان علمی بلافاصله پس از مدال تاجگذاری	سمت چپ سینه نزدیک تکمه نصب شود

نشان‌های دول خارجی نسبت به اهمیت مملکت مربوطه در زیر نشان‌های داخلی نصب گردد.
طبق ماده ۱ حکم ۵۲۱ قشونی کلاه نیم رسمی صاحب منصبان بشرح ذیل مقرر می‌گردد:

۱- شکل کلاه نیم رسمی مانند کلاه رسمی است ولی جلوی کلاه، مانند عقب به یک میزان دارای پوست مشکی است.

۲- کلاه مزبور بدون آفتاب گردان می‌باشد.

۳- زمینه و کله‌گی کلاه نیمه رسمی صف و قن می‌باشد.

۴- دوره‌ی کله‌گی یراق فتیله زرد برای صاحب منصبان صف و یراق فتیله سفید برای صاحب منصبان دفتری دوخته می‌شود.

۵- فاصله بین پوست و یراق یک سانتی متر مقرر می‌گردد.

۶- نشان در جلوی کلاه نصب می‌گردد.

بر طبق ماده یک حکم ۵۲۹ قشونی: کلاه رسمی صاحب منصبان مانند کلاه نیم رسمی مقرر می‌گردد ولی کلاه رسمی دارای آفتابگردان و بند بالای آفتابگردان می‌باشد (ساکما زاهدان، کارتن ۴، ۱۳۰۷:۲). در خصوص عناوین و القاب شاهزادگان و مقام‌های دولتی تصمیماتی اتخاذ شد. و بدین منظور طبق تصویب نامه شماره ۱۳۸۹۹ عناوین ذیل برای طبقات مفصله الاسامی تصویب و مقرر گردید:

- شاهزادگان درجه اول **حضرت اقدس والا**

- شاهزادگان درجه دوم (نوادگان بلافصل) **نواب اشرف والا**

- سایر شاهزادگان **نواب والا**

- رئیس الوزراء **حضرت اشرف**

- کسانی که بمقام ریاست وزراء، رئیس مجلس سنا و مجلس شورای ملی رسیده‌اند **جناب**

اشرف

- وزراء مملکت، سفراء، کبار، رئیس شورای دولتی، رئیس دیوان عالی و همه اشخاصی که

حائز این مراتب گردیده‌اند **جناب مستطاب اجل**

- وزراء مختار یا حکام ولایات درجه اول یا کفیل و معاونین وزارتخانه‌ها و کسانی که به این

مقامات رسیده‌اند **جناب**

- سایر مستخدمین دولت مطلقاً آقا (ساکما زاهدان، کارتن ۴، ۲:۱۳۰۷) در خصوص میزان درآمد و بهره‌مندی از خدمات دولتی و کشوری در دفاتر مربوط درخصوص این اشخاص چیزی ثبت نگردیده است.

نتیجه

از بررسی ساخلوی سیستان چنین بر می‌آید که این ساخلوی نظامی چندین عملکرد مهم را پیش‌رو داشته که اهم آن بدین شرح می‌باشد: **عملکرد امنیتی**؛ حکومت پهلوی اول باعث شد که امنیت در منطقه حساس و مرزی سیستان توسط این ساخلو چه در بعد داخلی و چه در بعد خارجی آن تأمین گردد. در عملیات قشون سال ۱۳۰۷ ش از قوایی که در نظر بود به بلوچستان اعزام شوند علاوه بر قوای مشهد و کرمان از تیپ سیستان؛ فوج پیاده زابلی با دو گردان، دسته سوار مکتشف، یک گروهان مسلسل، کلت (چهارقبضه)، یکدسته توپخانه ترفیقی، یک آتشبار کوهستانی (چهار عراده توپ) به اضافه یک بهادران مستقل سوار که مامور ساخلوی سیستان بود، به کار گرفته شد در واقع کسانی که معتقد به نقش دولت رضاشاه در تأمین امنیت هستند، بیشتر بر نیروی نظامی ارتش تأکید دارند که توانست با برخی طغیان‌های قومی، محلی و راهزنی‌های پراکنده در مناطق مختلف مقابله کند. از این منظر دولت رضاشاه در بعد داخلی موفقیت بهتری کسب کرد. اگرچه دولت انگلستان به عنوان قیم دولت هندوستان، خود، امنیت مرزها را زیر نظر داشت. سیاست مبنی بر تمرکزگرایی دولت، تخته قاپو کردن ایلات و عشایر، سربازی اجباری که در این راستا پس از تشکیل سلسله پهلوی ایجاد شد کاهش قدرت و نفوذ سرداران محلی در منطقه سیستان را در برداشت. **عملکرد هویت بخشی ملی**؛ حکومت پهلوی توانست با ایجاد طرح سربازی اجباری، سربازان را از محیط‌های سنتی بیرون کشیده و در پادگان‌هایی مستقر کند که در آن مجبور بودند به فارسی سخن بگویند و با دیگر گروه‌های قومی از مناطق مختلف کشور آشنا شوند و هر روز وفاداری خود را به شاه، پرچم و دولت اعلام کنند. سربازان مجبور به یادگیری خواندن و نوشتن بودند. در واقع یکی از اهداف طراحی این

قانون، تبدیل روستاییان و ایلات به شهروند بود که تا حدود زیادی با موفقیت توأم گردید. آموزش زبان فارسی از ساعت اول خدمت در دستور کار ساخلوی سیستان قرار داشت. کلیه افراد در اتاق‌های خودشان تحت مراقبت فرماندهان مربوط به تعلیم زبان فارسی (خواندن و نوشتن) مشغول می‌شدند. این اقدام منجر به تربیت اخلاقی و باعث ایجاد حس هویت بخشی در سربازان جوان وطن در منطقه سیستان شد. **عملکرد قانون‌مداری؛** پابندی به اصول و ضوابط، که ساختار نظامی ساخلوی سیستان در تقسیم وظایف و درجات کارکنان و میزان برخورداری از حقوق و مزایا و حتی نوع البسه افراد نظامی در آن مشخص و از نظم و ترتیب خوبی برخوردار بود. سلسله مراتب نظامی و وظایف افراد در آن به‌خوبی تعیین گردیده بود. و اجرای قانون و استخدام و اخراج افراد برپایه‌ی احکام قشونی مشخص شده بود. اما آنچه که مشهود است بیانگر این مسئله است که هرچه بر تجربه‌ی اداره کردن این ساخلو می‌گذشت نظم حاکم بر آن بیشتر می‌شد. تنبیهات و مجازات‌هایی که برای افراد خطاکار در نظر گرفته و اعمال می‌شد خود گواه بر این قضیه می‌باشد.

منابع و مطالعات

اسناد

- سازمان اسناد و کتابخانه ملی، سند شماره ۱۱۳۶۷۱-۲۴۰-
سازمان اسناد و کتابخانه ملی، زاهدان، کارتن ۱، ۱۳۰۱، ص ۵۶
----- کارتن ۱، ۱۳۰۱، ص ۶۹
----- کارتن ۱، ۱۳۰۱، ص ۷۵
----- کارتن ۱، ۱۳۰۱، ص ۷۲
----- کارتن ۱، ۱۳۰۱، ص ۷۰
----- کارتن ۱، ۱۳۰۱، ص ۷۱
----- کارتن ۱، ۱۳۰۱، ص ۵۷
----- کارتن ۱، ۱۳۰۱، ص ۸۱

- کارتین ۱، ۱۳۰۱، ص ۸۵
 ----- کارتین ۱، ۱۳۰۱، ص ۹۱
 ----- کارتین ۱، ۱۳۰۱، ص ۷۵
 ----- کارتین ۴، ۱۳۰۷، ص ۲
 سازمان اسناد و کتابخانه ملی، زاهدان، کارتین ۲، حکم قشونی ۲۴، ۱۳۰۴
 ----- کارتین ۲، حکم قشونی ۱۳۶، ۱۳۰۷
 ----- کارتین ۲، حکم قشونی ۲۱۷، ۱۳۰۴
 ----- کارتین ۲، حکم قشونی ۱۳۷، ۱۳۰۴-۱۳۰۵
 سازمان اسناد و کتابخانه ملی، زاهدان، حکم قشونی ۵۱۶، ۱۳۰۶
 ----- حکم قشونی ۱۱۳، ۱۳۰۶، ص ۲
 ----- حکم قشونی ۵۱۶، ۱۸ فروردینماه ۱۳۰۷
 ----- حکم قشونی ۵۱۶، ۷ بهمن ماه ۱۳۰۷، ص ۱
 ----- حکم قشونی ۵۱۶، ۷ بهمن ماه ۱۳۰۷، ص ۲
 ----- حکم قشونی ۵۱۶، ۷ بهمن ماه ۱۳۰۷، ص ۳
 ----- حکم قشونی ۵۱۶، ۷ بهمن ماه ۱۳۰۷، ص ۴

کتابها

- آبراهامیان، یرواند (۱۳۸۹)، تاریخ ایران مدرن، ترجمه محمدابراهیم فتاحی، تهران، نشرنی.
 پیری، محمد، (۱۳۸۹)، تاریخ سیستان در عصر قاجار، مشهد، انتشارات سنبله.
 تقوی، سید مصطفی (۱۳۸۹)، امنیت در دوره رضاشاه، تهران، موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، چاپ دوم.
 جهانبانی، امان‌الله (۱۳۳۶)، عملیات قشون در بلوچستان، تهران، چاپ مجلس.
 سینائی، وحید (۱۳۸۴)، دولت مطلقه، نظامیان و سیاست در ایران، تهران، انتشارات کویر.
 عاقلی، باقر (۱۳۷۹)، رضاشاه و قشون متحدالشکل، تهران، انتشارات نامک.
 علی بابایی، غلامرضا (۱۳۸۲)، تاریخ ارتش ایران از ۵۵۸ پیش از میلاد تا ۱۳۵۷ شمسی، تهران، انتشارات آشتیان.

کرونین، استفان (۱۳۷۷)، ارتش و تشکیل حکومت پهلوی در ایران، ترجمه غلامرضا علی بابائی، تهران، انتشارات خجسته.

گزارش‌های محرمانه کنسولگری انگلیس در سیستان و قاینات (۱۳۹۶)، ترجمه محمود رفیعی، تهران، انتشارات: هیرمند.

میرزا صالح، غلامحسین (۱۳۷۲)، رضاشاه، خاطرات سلیمان بهبودی، شمس پهلوی، علی ایزدی، تهران، انتشارات طرح نو.

یکرنگیان، میرحسین (۱۳۷۷)، سیری در تاریخ ارتش ایران، تهران، انتشارات: خجسته.

مقالات

آذری خاکستر، غلامرضا (۱۳۹۲) "جمازه سوار قاینی" پیام بهارستان (شماره ۲۱) ۱۳۱-۱۱۰
مجله قشون (۱۳۰۴) شماره ۱۸.

نیازی، محمد، شالچی، وحید (۱۳۹۲) "جامعه‌شناسی شکل‌گیری نظام وظیفه در ایران" جامعه
شناسی تاریخی (شماره ۲) ۴۱-۷۰